

کاوشی در مداخله روسیه در بحران سوریه از منظر ژئوپلیتیک^۱

محمدرضا تخشید

استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران

مرتضی شجاع*

دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۲۸ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۰۷/۲۳)

چکیده

هدف این نوشتار تبیین مداخله روسیه در بحران سوریه از منظر ژئوپلیتیک است. مداخله مسکو در بحران سوریه هم‌زمان با آغاز بحران شکل گرفت. صرف نظر از مواضع ابتدایی دمیتری مدودیف، در دوره‌های دیگر، خط مشی روسیه در برابر آن بحران به نفع دولت اسد بود. حمایت مسکو از دولت سوریه در ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای انجام شد. مهم‌ترین بعد کمک روسیه در این بحران به ورود مستقیم واحدهای نیروی هوایی و دریایی روسیه در آن در اواخر تابستان ۲۰۱۵ باز می‌گشت. در تأثیر این کمک‌ها موازنه نیروها به سود ارتش و نیروهای امنیتی سوریه تغییر کرد و آن‌ها توانستند بخش شایان توجهی از مناطق را از کنترل مخالفان و افراط‌گرایان خارج کنند. پرسش نوشتار این است که چرا روسیه در بحران سوریه مداخله کرد، در حالی که تا پیش از آن مسکو در هیچ یک از بحران‌های خارج از قلمرو اتحاد شوروی مداخله نکرده بود؟ فرضیه نوشتار این است که مجموعه‌ای از الزام‌های ژئوپلیتیکی موجب شد که روسیه در این بحران مداخله و از دولت اسد حمایت کند. برای سنجش این فرضیه از مدلی بهره گرفتیم که از سه مفهوم «ویژگی ژئوپلیتیکی»، «قلمروسازی ژئوپلیتیک»، «گذار ژئوپلیتیکی» گرفته شده است. موارد یادشده الزام‌های ژئوپلیتیک را در پی داشته است که روسیه را به مداخله در این بحران برانگیخت. این الزام‌ها، جلوگیری از تداوم عقب‌نشینی روسیه از غرب، مقابله با تروریسم، افراط‌گرایی و تجزیه‌طلبی، حفظ قلمرو نفوذ، حفظ توازن منطقه‌ای و حفظ ثبات منطقه‌ای هستند.

کلیدواژه‌ها

الزام‌های ژئوپلیتیکی، جنگ داخلی سوریه، رقابت با آمریکا، روسیه، مقابله با تروریسم، ویژگی ژئوپلیتیکی.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری مرتضی شجاع با عنوان «سیاست خارجی روسیه در قبال بحران سوریه در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶» در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران است.

* E-mail: m.shoja@ut.ac.ir

نویسنده مسئول:

مقدمه

بحران داخلی در سوریه مهم‌ترین بحران جاری در نظام بین‌الملل است. این بحران نه تنها صحنه برخورد مخالفان دولت و افراط‌گرایان با دولت سوریه است، بلکه به صحنه رقابت ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز تبدیل شده است. به نسبت بحران‌هایی چون کره شمالی و اوکراین، هم تعداد کنشگران درگیر در بحران سوریه بیشتر است و هم سطح خشونت؛ بنابراین این بحران بیش از سایر بحران‌ها توجه را به خود جلب کرد. روسیه از قدرت‌های فرامنطقه‌ای است که بنا به درخواست دولت سوریه در این بحران مداخله کرد. مداخله روسیه در بحران سوریه از ابعادی خاص و منحصر به فرد است. یکی از مهم‌ترین آن‌ها این است که مسکو در این بحران بیش از هر بحران دیگری که در خاورمیانه روی داده، مداخله کرده است. افزون بر آن، نخبگان سیاسی روسیه تلاش می‌کنند که تا جای ممکن در برابر ابتکارهای کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا، در خاورمیانه قرار نگیرند؛ اما آن‌ها در بحران سوریه خلاف رویه عمل کردند. در نتیجه این پرسش به ذهن می‌رسد که چرا روسیه در بحران سوریه به‌سود دولت این کشور مداخله کرد؟ فرضیه پژوهش این است که ارزش ژئوپلیتیکی خاورمیانه و سوریه الزام‌هایی را بر روسیه بار کرده که موجب شده است تا این قدرت اوراسیایی در بحران سوریه مداخله کند. اما پیش از شناسایی و بررسی الزام‌های ژئوپلیتیکی روسیه که در مداخله این کشور در بحران سوریه دخیل بوده‌اند؛ نظریه مورد نظر را تبیین می‌کنیم.

چارچوب نظری

پژوهشگران، سیاست خارجی دولت‌ها را در چارچوب نظریه‌ها، مدل‌ها و حتی مفاهیم تحلیل کرده‌اند. نظریه ژئوپلیتیک از نظریه‌هایی است که در تحلیل سیاست خارجی کشورها قابلیت شایان ملاحظه‌ای داشته است. البته پیشینه مطالعه سیاست از دیدگاه جغرافیا به دوران ارسطو بر می‌گردد. نمونه‌هایی از آن را می‌توان در آثار مونتسکیو و کانت نیز دید (Walsh, 1944: 12-39). اما این مورد به‌صورت یک رهیافت مطالعاتی، پدیده‌ای جدید محسوب می‌شود.

واژه ژئوپلیتیک برای اولین بار در سال ۱۸۹۹ توسط رودلف کیلن (سوئدی) به‌کار رفت (Muir, 1997: 214). بعد از وی این واژه بارها در متن‌های مربوط به سیاست خارجی استفاده شد. با این حال در مورد ژئوپلیتیک به‌عنوان یک نظریه برای تحلیل / تبیین سیاست خارجی کشورها اجماعی میان بزرگان این رشته دانشگاهی پدید نیامده است. بررسی رویکردهای مختلف در تعریف ژئوپلیتیک در این نوشتار نمی‌گنجد. با این حال می‌توان گفت که این رویکردها به دو دسته یک‌سویه و تعاملی تقسیم می‌شوند. پیروز مجتهدزاده بر

این باور است: «ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی اثر محیط و شکل‌ها یا پدیده‌های محیطی چون، موقعیت جغرافیایی، شکل زمین، منابع کمیاب، امکانات ارتباطی و انتقالی (زمینی، دریایی، هوایی و فضایی)، وسایل ارتباط جمعی را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، به‌ویژه در سطوح گسترده منطقه‌ای و جهانی مطالعه می‌کند» (Mojtahed Zadeh, 2015: 128). در این تعریف رابطه بین جغرافیا و سیاست یک‌سویه است. محمدرضا حافظ‌نیا ژئوپلیتیک را رابطه تعاملی میان سیاست، قدرت و جغرافیا دانسته است. از دیدگاه وی، ژئوپلیتیک علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت، سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آن‌ها با یکدیگر است. وی معتقد است که در بررسی از منظر ژئوپلیتیک الزاماً باید هر سه بعد جغرافیا، سیاست و قدرت مشاهده شود (Hafez Nia, 2006: 37). رهیافت این نوشتار به این تعریف نزدیک است.

سوئل برنارد کوهن^۱ از پژوهشگرانی است که در توسعه نظریه‌های ژئوپلیتیک نقش درخور توجهی داشت. وی کتابی با عنوان «ژئوپلیتیک: جغرافیای روابط بین‌الملل» را نوشت و در زمان همراه با تحولات، تغییرهایی در آن به‌وجود آورد. او تلاش کرد که مفاهیم جدیدی را برای تحلیل ژئوپلیتیک غنی‌تر ارائه دهد.^۲ آخرین نسخه از این کتاب در سال ۲۰۱۴ به علاقه‌مندان عرضه شد. این کتاب در میان پژوهشگران سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل توجه زیادی را به خود جلب کرده است. یکی از مفاهیم اساسی که کوهن در تحلیل سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل به‌کار برده است «ویژگی ژئوپلیتیکی»^۳ است. این نوشتار با استفاده از این مفهوم به همراه «قلمرو ژئوپلیتیکی» و «گذار ژئوپلیتیکی» سیاست روسیه را در برابر بحران سوریه تبیین کرده است.

ویژگی یا به تعبیری ارزش ژئوپلیتیکی، شامل واحدها^۴ نواحی و مرزهای سیاسی-جغرافیایی هستند که نشانه‌ای از منحصربودن واحدها بوده و بر انسجام و دیگر معیارهای کارایی آن تأثیر می‌گذارند (Cohen, 2008: 77). در اساس تا زمانی که فضایی برای قدرت‌ها ارزش ژئوپلیتیکی نداشته باشد، آن‌ها وارد رقابت بر سر آن فضا نخواهند شد. دو نکته مهم در مورد ویژگی‌ها یا ارزش‌های ژئوپلیتیکی این است که یک حوزه جغرافیایی-فضایی (منطقه و یا کشور) برای دو کنشگر به یک اندازه و به‌شکل مشابه ارزش ندارد. برای نمونه، ویژگی ژئوپلیتیکی سوریه برای ایران و روسیه شایان توجه است؛ اما شبیه یکدیگر نیست. ویژگی‌های ژئوپلیتیکی، شکل‌دهنده الزام‌های ژئوپلیتیکی هستند که چارچوب اصلی درک رفتار ژئوپلیتیکی می‌باشند.

1. Saul Bernard Cohen

۲. این کتاب با عنوان «نظام ژئوپلیتیک جهانی» در ایران چاپ شده است.

3. Geopolitical Feature

4. Nod

قلمرو ژئوپلیتیکی عبارت است از: فضای جغرافیایی و انسان‌ها و جوامع مربوطه که در حوزه نفوذ و تأثیرگذاری یک یا چند متغیر سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی، امنیتی، تجاری، تکنولوژی، رسانه‌ای و... کشور متروپل قرار دارد. به عبارتی، کشورها و سرزمین‌ها و فضاهای جغرافیایی پیرامونی که در حوزه نفوذ کشور مرکز (قطب) قرار دارند را قلمرو ژئوپلیتیک آن می‌نامند (Hafez Nia, 1999: 212). نکته مهم در مورد قلمرو ژئوپلیتیکی این است که در اساس رقابت‌های جهانی و منطقه‌ای زمانی روی می‌دهند که یک قلمرو فضایی - جغرافیایی در شمار قلمرو ژئوپلیتیکی دو قدرت جهانی و یا منطقه‌ای تعریف شود. همچنین آن قلمروهای ژئوپلیتیکی ماهیت پویا دارند؛ بنابراین بسته یا گشوده می‌شوند. در فرایند تغییر قلمرو ژئوپلیتیک معمولاً نظم ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و یا جهانی دچار تغییر می‌شود. نظم ژئوپلیتیکی عبارت است از الگوی پایدار سیاست جهانی که از راه مجموعه‌ای از قواعد توسط قدرت‌های بزرگ حاکم می‌شود (Hafez Nia, 2006: 141). هر نظم ژئوپلیتیکی با عناصری چون قدرت یا قدرت‌های بزرگ، رابطه قدرت، سلطه و برتری بر منافع کشورهای دیگر مشخص می‌شود. از آنجا که هر یک از کشورها در تلاش برای افزایش قدرت خود هستند؛ بنابراین نظم ژئوپلیتیکی نیز ماهیت پویا دارد و تغییر می‌کند. گذار ژئوپلیتیکی نیز عبارت است از دوره کوتاه زمانی بین دو نظم. به بیانی، گذار ژئوپلیتیک دوره زمانی است که سیستم یا منطقه نظم پیشین را ترک کرده است و به سوی استقرار نظم جدید حرکت می‌کند (Hafez Nia, 2006: 143).

از ویژگی‌های دوره گذار ژئوپلیتیکی این است که فرایند کنترل و نظارت (هم در سطح‌های منطقه‌ای و هم در سطح جهانی) بر رفتار ژئوپلیتیکی دولت‌ها محدود می‌شود؛ سیستم به سوی جنگ و بحران می‌رود و سرانجام امر نظام (خواه جهانی یا منطقه‌ای) رو به قطبی شدن می‌رود؛ بنابراین دسته‌بندی‌ها و بلوک‌بندی‌هایی ظهور می‌کنند. متناسب با این چارچوب تحلیلی، آنچه رفتار ژئوپلیتیک روسیه را در بحران سوریه شکل داد، ویژگی‌های ژئوپلیتیک سوریه و خاورمیانه، جایگاه آن در قلمرو ژئوپلیتیک روسیه و پیدایی وضعیت گذار در خاورمیانه در پی خیزش‌های عمومی در کشورهای عربی و به‌ویژه جنگ داخلی در سوریه بوده است. ویژگی ژئوپلیتیک خاورمیانه و سوریه به اندازه‌ای است که روسیه نمی‌تواند این منطقه را نادیده بگیرد. در مجموع خاورمیانه به دلیل موقعیت مکانی آن در محل اتصال سه قاره بزرگ نیم‌کره شرقی، وجود آبراه‌های مهم، زادگاه سه دین بزرگ اسلام، مسیحیت و یهودیت، بهره‌مندی از بزرگ‌ترین انبار انرژی جهان، خاستگاه تروریسم و افراط‌گرایی و کانون بیشترین مقاومت‌ها در برابر آمریکا و غرب برای روسیه اهمیت دارد. آنچه اهمیت خاورمیانه را بیش از پیش می‌سازد این است که این منطقه بی‌ثبات، در مجاورت آسیای مرکزی و قفقاز قرار دارد که

روسیه آن‌ها را در قلمرو نفوذ خود می‌داند (Shumilin, 2016). بنابراین امکان تسری تحولات آن به آسیای مرکزی و قفقاز نیز وجود دارد.

به چند دلیل ویژگی‌های سوریه نیز در خاورمیانه برای روسیه اهمیت ویژه‌ای دارد: موقعیت راهبردی آن در محل اتصال سه قاره، وجود پایگاه‌های ارتش روسیه در این کشور، موقعیت آن در مسیر انتقال انرژی خاورمیانه به اروپا، مجاورت آن با ترکیه، اسرائیل و عراق. دو مورد اول از رقبای روسیه در خاورمیانه هستند، مجاورت آن با دریای مدیترانه، وجود دولتی غیردینی و متحد در این کشور و سرانجام عضویت دمشق در محور مقاومت هستند. محور مقاومت از این جهت برای مسکو اهمیت دارد که وزنه تعادلی در برابر واشنگتن و متحدان منطقه‌ای آن است. همچنین وجود پایگاه‌های نظامی روسیه در سوریه و همراهی و اتحاد دولت سوریه با روسیه، این کشور را به یکی از حوزه‌های فضایی قلمرو ژئوپلیتیکی روسیه تبدیل ساخته است. این ویژگی‌ها الزام‌هایی را برای روسیه در پی داشته که آن را مجبور کرده است تا در بحران سوریه مداخله کند. به بیان دیگر، اهمیت این ویژگی‌ها به درجه‌ای است که در وضعیت گذار ژئوپلیتیک در خاورمیانه و جنگ داخلی در سوریه، روسیه خود را ناگزیر به مداخله در این بحران یافته است. سوریه در قلمرو ژئوپلیتیک روسیه قرار دارد. بررسی‌های^۱ و سخنان سیاست‌مداران روسیه نشان می‌دهد که این کشور نسبت به حفظ سوریه به‌عنوان یکی از قلمروهای ژئوپلیتیکی فرامنطقه‌ای خود اراده جدی دارد. در بندر ترتوس سوریه یکی از پایگاه‌های فرامنطقه‌ای روسیه واقع شده است. ویکتور چیرکف، معاون فرمانده نیروی دریایی روسیه در مورد اهمیت این پایگاه گفت: تا زمانی که نیروی دریایی این کشور در مدیترانه و خلیج عدن عملیات نظامی برگزار می‌کند ترتوس برای ما اهمیت دارد (Bagdonas, 2012: 61). اگر دولت سوریه همانند دولت قذافی سرنگون شود، احتمالاً دسترسی به این پایگاه را از دست خواهد داد و بدین شکل روسیه در خاورمیانه به قدرتی حاشیه‌ای تبدیل خواهد شد.

از سال ۱۹۹۱ تا آغاز دهه ۲۰۱۰ تحول‌هایی در سطح نظام و خاورمیانه روی داد که منطقه را وارد فرایند گذار ژئوپلیتیک کرد (Shoja, 2007: 33-39)؛ اما هم‌زمان با ظهور خیزش‌های عربی، گذار ژئوپلیتیکی تشدید شد. این خیزش‌ها وزن و جایگاه کشورها را تغییر می‌دهد. در صورتی که دولت سوریه به‌دست مخالفان و افراط‌گرایان سرنگون می‌شد، وزن روسیه نیز در منطقه ژئوپلیتیک خاورمیانه کاهش پیدا می‌کرد. به همین دلیل وضعیت گذار ناشی از خیزش‌های عربی در اقدام روسیه در مداخله در بحران سوریه نقش داشته است.

۱. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: سند مفهوم سیاست خارجی روسیه، ۲۰۱۶.

الزام‌های ژئوپلیتیک روسیه در مداخله در بحران سوریه

منظور از مداخله روسیه در بحران سوریه همه اقدام‌هایی است که روسیه برای حفظ و قدرت گرفتن دولت و ارتش سوریه در رویارویی با مخالفان و افراط‌گرایان و حملات احتمالی رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی انجام داد. در مجموع، این اقدام‌ها در سه بعد کمک‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی دسته‌بندی می‌شوند (Koolae and Soltani Nezhad, 2016: 124; Trenin, Stott and Nakhoul, 2013; Middleeasteye, 2014; Aras, 2017; McKirdy, 2017; 2012; Amos, 2011; Pfeffer, 2013; Lawrence, 2016; Mortimer, 2017).

پیشتر بیان شد که با توجه به ویژگی‌های ژئوپلیتیک خاورمیانه و سوریه در سیاست خارجی روسیه، جایگاه سوریه در قلمرو نفوذ فرمانطقه‌ای روسیه و وضعیت گذار در سطوح سیستمی و منطقه‌ای و اقدام‌های مسکو در جنگ داخلی سوریه می‌توان دریافت که مجموعه‌ای از الزام‌های ژئوپلیتیکی مسکو را واداشت که در بحران سوریه مداخله کند. این کنش‌ها در راستای حفظ و افزایش وزن ژئوپلیتیک روسیه در این منطقه انجام شد. آنچه در ادامه خواهد آمد، مهم‌ترین الزام‌های ژئوپلیتیک روسیه در مداخله این کشور در بحران سوریه است.

الف) رقابت ژئوپلیتیکی روسیه با آمریکا و غرب

از قرن نوزدهم تاکنون، خاورمیانه عرصه رقابت ژئوپلیتیک قدرت‌های بری و بحری بوده است. در ابتدا این رقابت‌ها میان روسیه و انگلستان، در جنگ سرد بین شوروی و آمریکا و پس از فروپاشی اتحاد شوروی نیز بین روسیه و آمریکا بروز کرد. شاید نادرست نباشد اگر گفته شود که اگرچه نظام دوقطبی فروپاشید؛ اما جنگ سرد میان روسیه با غرب همچنان جریان دارد. از این‌رو، بارها در متن‌های علمی و غیرعلمی مفاهیمی چون «جنگ سرد جدید»^۱ یا «بازی بزرگ جدید»^۲ میان روسیه و آمریکا به چشم می‌خورد. سوریه امروز، بخشی از این بازی بزرگ است. در حالی که آمریکا تلاش می‌کند در قالب خیزش‌های عربی، سوریه را به‌عنوان آخرین پایگاه و قلمرو نفوذ روسیه در خاورمیانه در کنترل خود در آورد، سیاست روسیه در مسیر تقابل با راهبرد آمریکا قرار دارد.

رقابت ژئوپلیتیکی روسیه با آمریکا و غرب در سه سطح سیستمی، منطقه‌ای (خاورمیانه) و ملی (سوریه) در جریان است. در سطح سیستمی رقابت دو کنشگر در دریای بالتیک و اروپای شمالی، اروپای شرقی، دریای سیاه، قفقاز جنوبی، دریای خزر، افغانستان و آسیای مرکزی، شبه جزیره کره، قطب شمال و سرانجام در خاورمیانه و شمال آفریقا، دیده می‌شود. بحران‌های

1. New Cold War
2. New Great Game

اوکراین و سوریه رقابت دو قدرت را به نقطه اوج رساند. به همین دلیل است که شدت رقابت دو قدرت در شرق اروپا و خاورمیانه بیش از دیگر مناطق است. این مناطق در واقع گسل‌های ژئوپلیتیکی نظام بین‌الملل کنونی هستند (Hafez Nia, 2016: 1-12).

جدیت روسیه در برابر آمریکا و متحدان غربی و عربی آن در بحران سوریه در قالب ملاحظات ژئوپلیتیکی کلان آن تحلیل‌پذیر است. ملاحظات راهبردی و ژئوپلیتیکی در قالب تلاش برای مقابله با اقدام‌های آمریکا و بازتعریف و تجلی نقش خود در ترتیبات منطقه‌ای خاورمیانه از مهم‌ترین عوامل نقش‌آفرینی مسکو در بحران سوریه است. به بیان دیگر، روسیه بحران سوریه را همچون میدانی برای ترسیم پایه‌های نظام بین‌المللی چندقطبی با الگوی چندجانبه می‌بیند. در این نظام، مسکو تلاش می‌کند که از راه نقش سازمان ملل متحد و شورای امنیت، مانع از یک‌جانبه‌گرایی دولت آمریکا در بحران‌هایی مانند بحران سوریه شود. در این خط مشی، مقابله و تعارض روسیه با غرب نیز تأثیرگذار خواهد بود. به گونه‌ای که مسکو تلاش دوچندان از خود نشان داد که با ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای از تشدید دخالت خارجی به بهانه حقوق بشر و دخالت‌های بشردوستانه جلوگیری کند (Zahrani and Faraji, 2016: 61).

ب) مقابله با تروریسم و جدایی طلبی

در وضعیت گذار ژئوپلیتیکی ناشی از خیزش‌های عربی، زمینه رشد تروریسم و افراط‌گرایی در خاورمیانه پدید آمد. اعتراض عمومی، جنگ و نابسامانی داخلی موجب تضعیف قدرت و توانایی دولت‌های مرکزی در اعمال اقتدار شد و وضعیت خلأ قدرت را به وجود آورد. در حالی که پس از بحران عراق (۲۰۰۳) آمریکا چندان تمایلی به مداخله مستقیم در بحران‌های خاورمیانه ندارد، گروه‌های افراط‌گرا تلاش کردند تا از وضعیت خلأ قدرت بهره‌گیرند؛ اما سرکوب افراط‌گرایی برای روسیه اهمیت ویژه‌ای دارد که در حوزه منافع حیاتی خود بارها از آن ضربه خورد. پیوستگی سرزمینی خاورمیانه با آسیای مرکزی و قفقاز و پیوندهای مذهبی میان مردم خاورمیانه با مسلمانان در آن دو منطقه موجب شده است که روسیه درباره آثار رشد افراط‌گرایی نگرانی جدی داشته باشد. به بیان دیگر، این پدیده نه تنها منافع ژئوپلیتیک روسیه را در خاورمیانه تهدید می‌کند؛ بلکه منافع حیاتی آن را در اوراسیای مرکزی به چالش خواهد کشید. به همین دلیل روسیه در مورد رشد القاعده و داعش در سوریه نگرانی جدی دارد. تروریسم و افراط‌گرایی از مهم‌ترین چالش‌های سال‌های اخیر روسیه بوده‌اند. علاوه بر تجربه‌های تلخ رویارویی با افراط‌گرایان در افغانستان، نیروهای امنیتی روسیه بارها با افراط‌گرایان و تروریست‌ها در آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی، چچن و اورال درگیر بوده‌اند. از این‌رو، رشد افراط‌گرایی در هر نقطه از جهان تهدیدی آشکار علیه منافع روسیه است. به‌طور

خاص، از سال ۱۹۸۹ تا ژوئن ۲۰۱۷ در مجموع ۲۱۸۶ حمله تروریستی در روسیه ثبت شده است که در پی آن ۴۲۸۱ نفر کشته و ۷۴۲۸ نفر نیز زخمی شدند (Start, 2017). این آمار نشان می‌دهد که روسیه خود از قربانیان تروریسم است.

تشدید افراط‌گرایی در سوریه و عراق و موفقیت آن‌ها، می‌تواند افراط‌گرایان را در حوزه اوراسیا به اقدام‌های ضدحکومتی در قالب اقدام‌های تروریستی ترغیب کند. همچنین افراط‌گرایان در سوریه آموزش دیده و چگونگی جنگ شهری و عملیات‌های تروریستی را آموخته‌اند. با توجه به ویژگی روش جنگی این گروه‌ها، روسیه در برخورد با آن‌ها، در قلمرو خود و کشورهای آسیای مرکزی دچار مشکلات جدی خواهد شد. بنابراین تأثیری که بحران سوریه بر امنیت روسیه دارد آشکار می‌شود. اگر روسیه در برابر افراط‌گرایان ضعف نشان دهد (برای نمونه وجود آن‌ها را بپذیرد، یا از نابودی آن‌ها اجتناب کند و یا نتواند آن‌ها را نابود سازد) یا در بدترین سناریو افراط‌گرایان بتوانند در سوریه و عراق موفق شوند و روسیه را به عقب برانند، بی‌تردید مسکو خود را در برابر هجوم گسترده افراط‌گرایی در اوراسیا خواهد دید (Katz, 2013: 38-46; Gavrilis, 2016: 9). در واقع، مسلمانان اوراسیا کاملاً از جریان‌های فکری در خاورمیانه متأثرند؛ بنابراین در صورت رشد ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه در کشورهای خاورمیانه، شاهد رشد افراط‌گرایی و تروریسم در اوراسیا نیز خواهیم بود (Hill, 2013).

زمینه نفوذ سازمان‌های تروریستی در روسیه و مناطق پیرامون آن آماده است. به‌شکل ویژه، گردان «امام شامل» که به «کتاب الامام شامل» نیز موسوم است سازمانی اسلامی است که در روسیه و بیشتر در قفقاز شمالی فعال است. گفته می‌شود این سازمان شعبه روسی القاعده است (Ariel, 2017). علاوه بر القاعده، اقدام‌های داعش نیز از سوی سیاست‌مداران و کارشناسان امنیتی روسیه رصد شده است. در سند مفهوم سیاست خارجی روسیه سازمان داعش به‌عنوان شکل جدیدی از تهدید تروریستی شناخته شد (yon.ir, 2016: 6). این سازمان تروریستی توانسته در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ بخش شایان توجهی از عراق و سوریه را اشغال کند. صدها نفر از شهروندان روسیه و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به این گروه پیوسته‌اند و حتی این سازمان، قفقاز را بخشی از قلمرو خود اعلام کرده است. ظهور و رشد داعش بر جریان تکفیری در قفقاز شمالی اثر ایجابی گذاشته است.

در تابستان ۲۰۱۵، تکفیری‌های چچن، اینگوش، کاباردین-بالکاریا و جمهوری‌های بالکان بیانیه‌ای را از راه اینترنت صادر و ادعا کردند که به داعش پیوستند و از فرمان ابوبکر البغدادی پیروی می‌کنند (Caucasus Studies Institute, 2015). ابومحمد العدنانی، شخص دوم داعش، تشکیل ولایت در این جمهوری‌ها را اعلام کرد و ابو محمد قادری را به‌عنوان رئیس این گروه

برگزید (Oliphant, 2017). از این رو، مقابله با داعش به یکی از الزام‌های ژئوپلیتیکی روسیه در مداخله با آن گروه در سوریه تبدیل شد.

اما مقابله با تروریسم و افراط‌گرایی در سوریه یکی دیگر از الزام‌های ژئوپلیتیک روسیه را نیز تأمین می‌کند و آن مقابله با جدایی‌طلبی در روسیه است. از این نظر خیزش‌های عربی به صورت عام و تحولات خاورمیانه به صورت خاص به دو روش بر تجزیه‌طلبی در روسیه تأثیر می‌گذارند:

۱. از راه رشد افراط‌گرایی: در واقع افراط‌گرایی در روسیه در بستر جدایی‌طلبی رشد کرد؛ بنابراین رشد تروریسم و افراط‌گرایی در خاورمیانه بر فرایند تجزیه‌طلبی در روسیه اثر خواهد گذارد؛

۲. در قالب رشد گرایش‌های تجزیه‌طلبانه در خاورمیانه و تسری آن‌ها به روسیه: کشورهای عراق و سوریه مستعد تجزیه هستند و با توجه به وجود بسترهای تجزیه‌طلبی در روسیه، تردیدی نیست که هرگونه فرایند تجزیه‌طلبی در خاورمیانه موجب تقویت فرایندی مشابه در قفقاز شمالی خواهد شد (-31; Pakatchi and Barari, 2009; Zakharakin, 2015). (32).

ج) حفظ قلمرو نفوذ

روسیه در سوریه منافع ژئوپلیتیکی و راهبردی بی‌بدیلی دارد که رخداد جنگ داخلی در این کشور آن‌ها را به خطر انداخته است. مهم‌ترین منفعت راهبردی روسیه در بحران سوریه، پایگاه دریایی ترتوس است. همچنین در بحران داخلی سوریه، مسکو اجازه بهره‌برداری از پایگاه هوایی در لاذقیه را به دست آورد. حق استفاده از پایگاه کوچک دریایی ترتوس در سال ۱۹۷۱ (در دوره اتحاد شوروی) داده شد. بر اساس موافقت‌نامه‌ای که بدین هدف بین دو طرف امضا شد، اتحاد شوروی اجازه بهره‌برداری از این بندر را برای جنگنده‌ها، زیردریایی‌ها و کشتی‌های تجاری خود به دست آورد (Cordesman, 2015). پس از جنگ سرد، این بندر به عنوان تنها مکان تجدید تدارکات دریایی روسیه در خارج از اتحاد شوروی حفظ شد؛ اما چندی بعد از گشایش در روابط روسیه با سوریه که در پی بخشودگی بخش مهمی از بدهی سوریه در سال ۲۰۰۵ ایجاد شد، روسیه این بندر را ارتقا داد تا بتواند به کشتی‌های بزرگ‌تر نیز خدمات بدهد (Nizameddin, 2013: 116; Kreutz, 2010). همچنین روسیه به تازگی حق استفاده از این بندر را تا سال ۲۰۴۲ تمدید کرد (Harmer, 2012).

پایگاه ترتوس برای روسیه اهمیت ویژه‌ای دارد. این بندر مهم‌ترین نماد اتحاد راهبردی روسیه با سوریه و گواهی آشکار است از این واقعیت که سوریه در قلمرو ژئوپلیتیک روسیه قرار دارد. افزون بر آن، مسکو متمایل به دسترسی راهبردی به دریای مدیترانه و به دنبال

گشودن راهی به سوی اقیانوس هند و تأمین امنیت بیشتر برای جبهه جنوبی است. در واقع به دلیل حساسیت محاصره شدن به وسیله طرفداران غرب درون کشورهای هم‌سود و برون آن‌ها (مثل ترکیه)، مسکو به دنبال گریز از محاصره و یافتن چند متحد در جنوب کشور است (Kreutz, 2010: 5). در این زمینه بندر تروتوس به کشتی‌های روسی فرصت می‌دهد که از دریای مدیترانه بدون برگشتن به پایگاه‌های خود در دریای سیاه، دوباره سوخت‌گیری کنند (Bagdonas, 2012: 61). به احتمال زیاد، با تغییر حکومت در سوریه، روسیه امکان بهره‌برداری از بندر تروتوس را از دست خواهد داد. علاوه بر تروتوس، روسیه در جنگ داخلی در سوریه توانست امتیاز استفاده از پایگاه هوایی حمیمیم در استان لاذقیه را به مدت ۴۹ سال (TASS, 2017) به دست آورد. همچنین زرمه‌هایی مبنی بر حضور نظامی روسیه در پایگاه‌های هوایی الشعیرات در استان حمص و تدمر (پالمیرا) در خبرگزاری‌ها آمده بود (Bender, 2015). بر این اساس، سوریه را باید قلمرو نفوذ روسیه برآورد کرد و مداخله مسکو در این بحران نیز در واقع تلاش برای حفظ این قلمروی نفوذ است.

د) حفظ توازن ژئوپلیتیکی در خاورمیانه

سیاست‌مداران روسیه معتقدند که منافع ژئوپلیتیکی کشورشان در خاورمیانه از راه ایجاد توازن میان کانون‌های قدرت بهتر تأمین می‌شود؛ بنابراین کرملین می‌کوشد وضعیتی در خاورمیانه فراهم آید که هیچ‌یک از قدرت‌های منطقه‌ای نه حذف شوند و نه بتوانند به سلطه و برتری دست یابند. با اندکی چشم‌پوشی، سه گروه‌بندی قدرت در خاورمیانه وجود دارد: از سویی محور مقاومت قرار دارد که متشکل از ایران، سوریه و گروه‌های مسلح طرفدار آن مثل حزب الله در لبنان، حوثی‌ها در یمن، جهاد اسلامی در فلسطین و برخی گروه‌های شیعه در عراق است. این محور که به محور شیعه نیز موسوم است در برابر محور طرفدار آمریکا قرار دارد که متشکل از کشورهای عربی، اسرائیل و ترکیه است. با اینکه بین آن‌ها گاهی رقابت‌هایی وجود دارد؛ اما همه آن‌ها با شدت کمتر یا بیشتر متحد آمریکا در منطقه هستند. مسکو به دنبال ایجاد موازنه میان رژیم‌های پشتیبان آمریکا و محور مقاومت است (Khlabnikov, 2016). البته سازمان‌های تروریستی مانند داعش و القاعده گروه‌بندی سومی را تشکیل می‌دهند که روسیه تضعیف و نابودی آن‌ها را دنبال می‌کند.

در خیزش‌های عربی موازنه به سود کشورهای مورد حمایت آمریکا و افراط‌گرایان و به ضرر محور مقاومت تغییر کرد. اگر مخالفان و افراط‌گرایان در سوریه که در حمایت آشکار و پنهان کشورهای غربی، عربی و ترکیه قرار دارند، می‌توانستند اسد را از قدرت برکنار کنند، آنگاه محور مقاومت به شدت تضعیف می‌شد. اجرایی شدن این سناریو که در شرایط گذار ژئوپلیتیکی خاورمیانه احتمال داشت، موازنه ژئوپلیتیکی را به خطر می‌انداخت. روسیه در

تقویت محور مقاومت که به وسیله ایران هدایت می‌شود منافع ژئوپلیتیکی چشمگیری دارد (Parker, 2015: 25; Trenin, 2010: 1). با این حال، همان‌گونه که گفته شد، روس‌ها تمایلی ندارند که ایران یا هر کشور دیگری در خاورمیانه به جایگاه هژمون منطقه‌ای دست یابند؛ چراکه وضعیت توازن را بیش از الگوهای دیگر توزیع قدرت برای تأمین منافع خود مفید یافته‌اند.

ه) حفظ ثبات منطقه‌ای

از الزام‌های ژئوپلیتیکی روسیه در مداخله در بحران سوریه ضرورت حفظ ثبات منطقه‌ای است که به واسطه بی‌ثباتی ناشی از خیزش‌های عربی به خطر افتاد. این مورد برای روسیه تهدیدهایی در پی دارد، چه اینکه از سویی منافع روسیه در این منطقه را تهدید می‌کند. از سوی دیگر، احتمال سرایت تحولات خاورمیانه به آسیای مرکزی و قفقاز نیز وجود دارد. روند تغییر حکومت به شکل کلی به ضرر منافع ژئوپلیتیک روسیه بود. چه در آسیای مرکزی و قفقاز و چه در خاورمیانه تغییر حکومت‌ها یا موجب روی کار آمدن گروه‌های غرب‌گرا شد یا موجب رشد گروه‌های افراط‌گرا. از این رو، حکومت‌های اقتدارگرا گزینه مطلوب‌تری برای روسیه هستند و منافع ژئوپلیتیک آن را تأمین می‌کنند. تغییر حکومت‌ها در اساس به سه روش انجام شد که شامل سه الگوی حمله خارجی (مانند عراق) یا خیزش داخلی (مانند گرجستان، اوکراین، قرقیزستان، تونس و مصر) و یا ترکیبی از آن دو (کمک نظامی به مخالفان داخلی، مانند آنچه در لیبی روی داد) بوده است. غرب در نظر داشت که الگوی اخیر را در سوریه پیاده کند که روسیه مانع شد. در واقع روسیه با مداخله در بحران سوریه مانع از تداوم روند تضعیف و تغییر حکومت‌ها شده است که بی‌تردید مخل ثبات منطقه‌ای است.

همان‌گونه که گفته شد، مسکو از سرایت تغییر حکومت از خاورمیانه به حوزه اوراسیا نیز نگرانی جدی دارند. مجاورت سرزمینی آسیای مرکزی و قفقاز، به عنوان بخش‌هایی از خارج نزدیک روسیه، با حوزه ژئوپلیتیک خاورمیانه موجب شده که تحولات این دو منطقه بر یکدیگر تأثیر بگذارد. بحران اوکراین (۲۰۱۴) نشان داد این نگرانی بی‌دلیل نبود. در انقلاب موسوم به میدان اروپا (۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴) دولت روس‌گرای ویکتور یانوکویچ از قدرت برکنار شد و دولتی غرب‌گرا جای آن را گرفت. اندکی پس از استقرار، این دولت از ابتکارهای خود برای پیوند بیشتر با غرب سخن گفت (Van Metre and Others, 2015: 2-5). این رویداد بر منافع ژئوپلیتیک روسیه در حوزه اتحاد شوروی و شرق اروپا تأثیر منفی داشته است.

از دیدگاه مقام‌های روسیه رشد بی‌ثباتی که در پی خیزش‌های عربی پدید آمده است، سرانجام به تسلط افراط‌گرایان در کشورهای اسلامی منجر خواهد شد. از نظر آن‌ها غرب با حمایت از بی‌ثباتی در کشورهای خاورمیانه فقط زمینه انتقال قدرت به افراط‌گرایان را فراهم می‌آورد؛ همان‌گونه که در افغانستان، عراق، سوریه، یمن، مصر و لیبی روی داد. در این کشورها گروه‌های افراط‌گرا نفوذ کرده و قدرتمند شده‌اند. در این مورد لاورف موضع‌گیری جالبی داشت. وی گفت: بحث از تحولات جهان عرب با عنوان انقلاب عربی و حرکت دموکراسی خواهانه چیزی بیشتر از حرف‌های بچه‌گانه نیست (Trenin, 2013: 10; Koolae and Soltani Nezhad, 2016: 130).

افزون بر این، از دلیل‌های دخالت روسیه در بحران سوریه نگرانی از تکرار انقلاب‌های عربی در خود روسیه است. مشکلات اقتصادی روسیه که در سال‌های اخیر بروز کرده‌اند؛ می‌توانند موتور محرکه خیزش عمومی در این کشور باشند. بیشتر دلیل‌های مشکلات اقتصادی به تحریم اقتصادی غرب در پی بحران اوکراین و افت شدید قیمت نفت باز می‌گردد. در نتیجه آن‌ها شاخص‌های اقتصادی روسیه به شدت افت کرد. بنابراین زمینه اعتراض و بی‌ثباتی در داخل روسیه آماده است. مداخله روسیه در سوریه ذهن‌های مردم روسیه را از مسائل اقتصادی دور می‌کند که به آن دچار هستند و به ثبات دولت اوراسیاگرای این کشور می‌انجامد.

نتیجه

در اسناد سیاست خارجی، سخنان مقام‌های سیاسی و کنش‌های تاکتیکی روسیه در جریان بحران سوریه می‌توان نشانه‌های آشکار و پنهان متعددی یافت که بیانگر تأثیر الزام‌های ژئوپلیتیکی بر مداخله این کشور در بحران سوریه باشد. به لحاظ بنیادین، آنچه الزام‌های ژئوپلیتیکی روسیه را در خاورمیانه و سوریه شکل داده است ویژگی و ارزش ژئوپلیتیکی آن‌ها از دیدگاه نخبگان سیاسی روسیه است. به موازات آن، سوریه بخشی از قلمرو نفوذ در حال افول روسیه در خاورمیانه است. در نتیجه، ضرورت حفظ قلمرو نفوذ در وضعیتی که پیدایی بحرانی جدی در این کشور آن را در مخاطره قرار داده، نخبگان سیاسی روسیه را به مداخله در بحران سوریه وادار کرده است.

کنش‌های روسیه در بحران سوریه نشان می‌دهد که رقابت با آمریکا و غرب و مقابله با تروریسم، افراط‌گرایی و تجزیه‌طلبی مهم‌ترین الزام‌هایی است که روسیه را به مداخله در بحران سوریه به سود دولت اسد پیش برده است. آمریکا در سال‌های اخیر اقدام‌هایی کرد که جایگاه روسیه را در خاورمیانه تضعیف کرد. هم‌سو با این روند مداخله غیرمستقیم واشنگتن در بحران سوریه در قالب حمایت سیاسی، اقتصادی و تسلیحاتی از مخالفان، از دیدگاه نخبگان سیاسی

روس تجلی تداوم فرایندی بود که نقش روسیه را در منطقه به کمترین حد می‌رساند. افزون بر آن، بحران سوریه فرصت مناسبی برای تروریست‌ها و افراط‌گرایان ایجاد کرد تا بتوانند در آن کشور قدرت گیرند و اقدام‌های تروریستی خود را به دیگر مناطق از جمله روسیه سرایت دهند. نفس این پدیده و پیوند آشکار آن با تجزیه‌طلبی در قفقاز شمالی، مسکو را در موقعیتی قرار داد که باید در بحران سوریه مداخله می‌کرد. همچنین در صورت سرنگونی دولت سوریه در جنگ داخلی، توازن ژئوپلیتیکی در منطقه به خطر می‌افتاد؛ موضوعی که از دید نخبگان اوراسیاگرایی روس با منافع ژئوپلیتیک آن در منطقه ناهم‌خوان است. سرانجام موضوع مداخله روسیه در این بحران برای جلوگیری از تداوم روند بی‌ثباتی منطقه‌ای ضروری است. نخبگان سیاسی روسیه بارها نشان دادند که نسبت به تغییرهای سیاسی از درون بی‌اعتماد هستند. این موارد به شکل اجتناب‌ناپذیری بر ذهنیت نخبگان سیاسی روسیه نسبت به خیزش‌های عربی تأثیر گذاشته است. در نتیجه جهانیان شاهد کنشی متفاوت از آن چیزی بودند که کرملین از خود در برابر بحران لیبی و سایر بحران‌های خاورمیانه نشان داد.

References

A) English

1. Amos, Howard (2011), Billions of Dollars of Russian Business Suffers Along With Syria , Available at: <https://themoscowtimes.com/articles/billions-of-dollars-of-russian-business-suffers-along-with-syria-9298>, (Accessed on: 19/1/2016).
2. Aras, Bullent (2017), Turkey s Foreign Policy after July 15 , Available at: http://ipc.sabanciuniv.edu/wp-content/uploads/2017/02/Turkish-Foreign-Policy-After-July-15_Bulent-Aras.pdf, (Accessed on: 5/7/2017).
3. Ariel, Ben (2017), Al-Qaeda-Linked Group Claims St. Petersburg Attack , Available at: <http://www.israelnationalnews.com/News/News.aspx/228620>, (Accessed on: 17/7/2016).
4. Bagdonas, Azuolas (2012), Russia s Interests in the Syrian Conflict: Power, Prestige, and Profit **European Journal of Economic and Political Studies**, Vol. 5, No. 2, pp. 55-77.
5. Bender, Jeremy (2015), Russia is Building a Second Military Airbase in Syria , Available at: <http://www.businessinsider.com/russia-opening-second-military-airbase-in-syria-2015-12>, (Accessed on: 11/6/2017).
6. Cordesman, Anthony (2015), Russia in Syria: Hybrid Political Warfare , Available at: <https://www.csis.org/analysis/russia-syria-hybrid-political-warfare>, (Accessed on: 18/4/2016).
7. Gavrilis, George (2016), Can Russia s Peace Plan for Syria Work **Institute for Religion, Culture, and Public Life**, Columbia University, PONARS Eurasia

- Policy Memo, No. 420, Available at: <http://www.ponarseurasia.org/memo/can-russias-peace-plan-syria-work>, (Accessed on: 11/6/2017).
8. Harmer, Christopher (2012), Russian Naval Base Tartus **ISW (Institute for the Study of War)**, Available at: www.Reuters.com/Article/2013/03/01/Us-Syria-Crisis-Russia-Idusbre9200e320130301, (Accessed on: 19/12/2016).
 9. Hill, Fiona (2013), The Real Reason Putin Supports Assad ,Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/chechnya/2013-03-25/real-reason-putin-supports-assad>, (Accessed on: 2/2/2017).
 10. Katz, Mark (2013), The Impact of the Syrian Conflict on Russian Relations with Other Middle Eastern Countries **Russian Analytical Digest**, No. 128, pp. 1-5.
 11. Kreutz, Andrej (2010), Syria: Russia s Best Assets in the Middle East , Available at: <https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/kreutzeng-russiasyrianov2010.pdf>, (Accessed on: 22/11/2016).
 12. Lawrence, John (2016), Russian Airstrikes in Syria Maps: September 30, 2015 ° September 19, 2016 , Available at: <https://www.slideshare.net/JohnLawrence16/russian-airstrikes-maps-sept-2015-sept-2016>, (Accessed on: 21/2/2017).
 13. McKirdy, Euan (2017), 8 Times Russia Blocked a UN Security Council Resolution on Syria , Available at: <http://edition.cnn.com/2017/04/13/middleeast/russia-UNSC-syria-resolutions/>, (Accessed on: 13/4/2017).
 14. **Middleeasteye** (2014), Syria s Assad Depending on Iran Financial Aid , Available at: <http://www.middleeasteye.net/news/syrias-assad-depending-iran-financial-aid-392275455>, (Accessed on: 4/6/2017).
 15. Mortimer, Caroline (2017), Russian Aircraft Carrier, Admiral Kuznetsov, Heading to English Channel again Available at: <http://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/russian-aircraft-carrier-admiral-kuznetsov-english-channel-syria-civil-war-air-strikes-military-a7514691.html>, (Accessed on: 29/3/2017).
 16. Muir, Richard (1997), **Political Geography**, University College of Rion and York St. John.
 17. Nizameddin, Talal (2013), **Putin's New Order in the Middle East**, London: C. Hurst and Co. Ltd.
 18. Oliphant, Vikle (2017), ISIS Threatened Russia will Burn Days before Metro Bomb Blast in St Petersburg , Available at: <http://www.express.co.uk/news/world/787366/Russia-terror-attack-St-Petersburg-Metro-bomb-ISIS-threatened-Russia>, (Accessed on: 11/1/2017).
 19. Parker, John (2015), Understanding Putin through a Middle Eastern Looking Glass **Institute for National Strategic Studies, National Defense University Press**, Strategic Perspectives, No. 19, Available at: <http://ndupress.ndu.edu/>

- Portals/68/Documents/stratperspective/inss/Strategic-Perspectives-19.pdf, (Accessed on: 28/10/2018).
20. Pfeffer, Anshel (2013), Russia Military Aid to Syria; Burning Question and Answer , Available at: <http://www.haaretz.com/israel-news/russian-military-aid-to-syria-burning-questions-and-answers.premium-1.524685>, (Accessed on: 22/10/2016).
 21. Shumilin, Alexander (2016), Russian Diplomacy in the Middle East: Back to Geopolitics , **The Institut François des Relations Internationales (IFRI)**, Available at: https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/rnv93_version_uk_final_protege.pdf, (Accessed on: 12/1/2017).
 22. **Start** (2017), Global Terrorism Database (GTD) (2017) , University of Maryland, Available at: <http://apps.start.umd.edu/gtd/downloads/dataset/Codebook.pdf>, (Accessed on: 8/9/2017).
 23. Stott, Michael and Samia Nakhoul (2013), Syria Expected More Financial Aid from Russia and Iran , Available at: <http://www.reuters.com/article/us-syria-crisis-economy-idUSBRE93N0QA20130424>, (Accessed on: 12/2/2017).
 24. **TASS** (2017), Moscow Cements Deal with Damascus to Keep 49-year Presence at Syrian Naval and Air Bases , Available at: <http://tass.com/defense/926348>, (Accessed on: 17/8/2017).
 25. Trenin, Dmitry, (2010), Russia s Policy in the Middle East: Prospects for Consensus and Conflict with the United States , Available at: http://carnegieendowment.org/files/trenin_middle_east.pdf, (Accessed on: 5/11/2016).
 26. Trenin, Dmitry (2012), Russia s Policy in the Middle East: Prospects for Consensus and Conflict with the United States , Available at: <http://carnegie.ru/2010/03/02/russia-s-policy-in-middle-east-prospects-for-consensus-and-conflict-with-united-states-pub-40324>, (Accessed on: 20/3/2017).
 27. Trenin, Dmitry (2013), Mythical Alliance: Russia s Syria Policy Available at: <http://carnegie.ru/2013/02/12/mythical-alliance-russia-s-syria-policy-pub-50909>, (Accessed on: 19/3/2017).
 28. Van Metre, Lauren, Viola G. Gienger and Kathleen Kuehnast (2015), The Ukraine-Russia Conflict Signals and Scenarios for the Broader Region **United States Institution of Peace**, Available at: <https://www.usip.org/sites/default/files/SR366-The-Ukraine-Russia-Conflict.pdf>, (Accessed on: 17/6/2017).
 29. Walsh, E. (1944), Geopolitics and International Morals in: H. W. Weigert and V. Stefansson, **Compass of the World**, New York: Macmillan, pp. 12° 39.
 30. Zakharkin, Stanislav (2015), What is in Store for the Siberian Movement? , Available at: <http://www.eurozine.com/articles/2015-06-11-zakharkin-en.html>, (Accessed on: 29/2/2017).

B) Persian

1. **Caucasus Studies Institute** (2015), The Caucasus Velayat Officially Declared Existence Available at: <http://qafqaz.ir/fa/?p=12739>, (Accessed on: 13/6/2016).
2. Cohen, Saul (2008), **World System Geopolitic**, Translated by Abbas Kardan, Tehran: Abrar-e Mo aser.
3. Foreign Policy Concept of Russia Federation (2016), Translated by Roghayye Keramati Nia, Available at: <http://yon.ir/Y4Y4J>, (Accessed on: 19/8/2016).
4. Hafez Nia, Mohammad Reza (1999), **The Basics of Sociopolitical Studies**, Tehran: Organization of Howza and Schools in Abroad.
5. Hafez Nia, Mohammad Reza (2006), **Principels and Concept of Geopolitics**, Tehran: Samt.
6. Hafez Nia, Mohammad Reza (2016), The World s Active Geopolitical Faults , **Geopolitic**, Vol. 12, No. 4, pp. 1-12.
7. Khlabnikov, Alexi (2016), Moscow in Middle East is about to Balance between Pro-America Regime and Exis of Ressistance Available at: <http://yon.ir/Tb2II>, (Accessed on: 7/3/2017).
8. Koolae, Elaheh and Mohammad Soltani Nezhad (2016), Casuses and Motivatives of Russia a Military Operation in Syria **Strategic Studies**, No. 73, pp. 115-136.
9. Mojtahed Zadeh, Pirooz (2015), **Political Geography and Geopolitic**, Tehran: Samt.
10. Pakatchi, Ahmad and Khodayar Barari (2009), Effective Factores in Sepatism of Chechen Ethnic **Central Eurasia Studies**, No. 3, pp. 23-42.
11. Shoja, Morteza (2007), Prosses of Power in Middle East in Treasury of 21 Century **Politial-Economic Information**, No. 235-236, pp. 32-47.
12. Zahrani, Mostafa and Teymor Faraji Lohe-Sara (2016), Russian Federation s Approach towards Syrian Crisis **Central Asia and the Caucasus Studies**, No. 94, pp. 43-70.